

مُرفین

میخائیل بولگاکف

ترجمه بابک شهاب



انتشارات وال



انتشارات وال

تهران، کد پستی: ۱۷۱۵۶۶۴۶۹۳

تلفن دفتر انتشارات و مرکز پخش: ۰۲۱۳۳۳۱۵۰۳۸



www.whale-pub.com



whalepub



whalepub

عنوان اصلی

Mikhail Bulgakov, **Morphine (Морфин)** (1927), Azbuk 2002

مُرفین

ناتیل بولگاکف

بِ یادداشت‌های و.ا. لوسیف

ترجمه از روسی (باک شهاب

ویراسته ریریه وال

مجموعه ادبیات/دبیر مجموعه احمد جاوید

طراح جلد: محمدباقر جاوید/طراح: S- استودیو جاوید

ناشر: انتشارات وال

چاپ اول: ۱۴۰۰، دوم: ۱۴۰۱، سوم: ۱۴۰۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۱۱-۷-۸

بولگاکف، میخائیل، ۱۸۹۱-۱۹۴۰؛ شهاب، بابک، ۱۳۵۲-، مترجم

موضوع: داستان‌های روسی، قرن ۲۰ م./مشخصات ظاهری: ۸۴ ص.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۹ PG ۳۴۵۲ / رده‌بندی دیویی: ۸۹۱/۷۳۴۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۶۱۹۹۲۴۷

© تمام حقوق این اثر برای انتشارات وال محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

درباره نویسنده

میخائیل بولگاکوف، رساله‌نویس، نمایش‌نامه‌نویس، روزنامه‌نگار و پزشک روس، در سال ۱۸۹۱ در کیف به دنیا آمد. او در ۱۹۰۹ مشغول به تخصص پزشکی شد و بعد از فارغ‌التحصیلی در ۱۹۱۶ به تهران پزشکی شد و سپس در بیمارستانی در روسیه مشغول به کار شد. از ۱۹۲۰ تصمیم گرفت وقتش را صرف نوشتن کند. در ۱۹۲۱ به مسکو رفت. در این ایام با نشریاتی همچون گومرک^۱ و ناکانونه^۲ همکاری کرد و مطلب نوشت. چندی بعد، تقریباً با دویست داستان کوتاه و بلند، به عنوان یکی از نویسندگان مطرح طنز روسی در این دوره شناخته می‌شود؛ نمایشنامه

1. Goudok

2. Nakanoune

جزیره ارغوانی^۱ (۱۹۲۴) نمونه‌ای از این آثار است. سپس چند داستان جدی‌تر از جمله آتش خان^۲ (۱۹۲۴) و من کشته‌ام^۳ (۱۹۲۶) و دو رمان کوتاه ماندگار شیطان^۴ (۱۹۲۳) و تخم مرغ‌های شوم^۵ (۱۹۲۵) در آن‌ای‌پی^۶ از او منتشر می‌شود. در ادامه، نسخه دست‌نویس قلب سگی^۷، سومین رمان کوتاه ماندگار او، توسط پلیس مخفی توقیف می‌شود. این اثر بزرگ تا ۱۹۶۸ در محاق می‌ماند و نخستین بار در مجله‌ای غربی، زبان در آلمان غربی منتشر می‌شود. در ۱۹۲۶ نمایش امه، روزهای توربین^۸، با اقتباسی از رمان خودش گارد سفید^۹، که درباره جنگ داخلی اوکراین است، در هیاهوی حامیان و مخالفان، راجه چندین دهه با موفقیت در مسکو اجرا می‌شود. آثار بعدی بولگاکف یا سانسور می‌شود یا ممنوع‌الچاپ یا زیر تیغ نقد می‌رود.

بولگاکف سرانجام در ۱۰ مارس ۱۹۴۰ زندگی را وداع گفت. امروزه محل تولد او در کیف، به موزه مبدل شده است. بعد از درگذشت او و تحولات زندگی، آثارش کم‌کم از سایه بیرون آمد و او را به اسطوره تبدیل کرد.

1. *The Crimson Island*

3. *I Killed*

5. *The Fatal Eggs*

7. *Heart of a Dog*

9. *The White Guard*

2. *Khan Fire*

4. *Dyavoliada*

6. *NEP*

8. *The Days of the Turbins*

مُرفین^۱، که برخی محققان آثار بولگاکف آن را رمان کوتاه می‌نامند، نخستین بار در ۱۹۲۷ در مجله میدیتسینسکی رابوتنیک^۲، شماره‌های ۴۵ تا ۴۷، منتشر شد.

در این داستانِ منحصربه‌فرد، فصل مهمی از زندگی نویسنده به تصویر کشیده می‌شود که برای بسیاری از خوانندگان ناآشناست: زندگی یک پزشک جوان و در عین حال یک بیمارِ معتاد به مُرفین که می‌کوشد از اسارت این ماده مخدرهای یابد. بولگاکف در این اثر احساسات یک معتاد را با جزئیاتِ خوفناک بیان کرده است و عمق یأس و امید بی‌کراں بیهوشی را از این وابستگی مرگبار به رشته تحریر کشیده است.

مُرفین را می‌توان بخشی از یادداشت‌های یک پزشک جوان^۳ به‌شمار آورد زیرا مانند داستان‌های این مجموعه، بر پایه تجربیات خود بولگاکف بنا شده است، زمانی که در کسوت پزشک روستای نیکولسکویه در بخش سیچفسکی فرمانداری اسمالنسکایا، از سپتامبر ۱۹۱۶ تا سپتامبر ۱۹۱۷ و نیز در شهر ویازما در همان فرمانداری، از سپتامبر ۱۹۱۷ تا ژانویه ۱۹۱۸ مشغول به طبابت بود.

اما اکثر پژوهشگران این داستان را مجزا از مجموعه یادداشت‌های یک پزشک جوان می‌دانند زیرا مُرفین یک

1. Morphine

2. Meditsinskiy Rabotnik

3. A Young Doctor's Notebook

سال بعد از آن مجموعه نوشته شد و در آن هیچ نشانی برای انتسابش به مجموعه نام برده دیده نمی شود.

در این داستان، اعتیاد خود بولگاکف به مُرفین بازتاب یافته است، اعتیادی که در مارس ۱۹۱۷ پس از نای شکافی یک بیمار آغاز شد. جزئیات این جراحی در داستان "گلوی فولادی" تشریح شده است.

در آخرین رمان بولگاکف، مرشد و مارگاریتا، شاعری را می بینیم به نام ایوان بزْدْمَنی که از شعر روی می گرداند، پروفیسور ادبیات می شود و نام مستعار ایوان نیکالایویچ پانیِرْیُف را برمیگزیند. جالب است که دیدار واقع نمای پانیِرْیُف در خواب با پوزیتیوس پیلاتس و عیسی ناصری، پس از تزریق مُرفین از آنجا می آید.

اعتیاد بولگاکف پس از انتقالش به بیمارستان شهر ویازما نیز ادامه یافت. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که نای شکافی ناموفق، تنها علت اعتیادش نبوده است و فضای مرده روستای نیکولسکویه نیز اثرگذار بوده. پزشک جوان و خورده با رفاه و خوش گذرانی های شهر، یدگی ناآزاد روستایی را به سختی برمی تافت. ماده مخدر با اثر حس خودفراموشی و حتی توهم شکوفایی نیروهای خلاقه را می داد و نویسنده را به سرزمین رؤیاهای دل انگیزش می بُرد.

نویسنده در داستان مُرفین آن حالت از زندگی اش را منعکس می کند که در صورت ماندنش در روستای نیکولسکویه یا شهر ویازما ممکن بود برایش اتفاق بیفتد.

می‌توان گفت که در نجات نویسنده در کیف، افزون بر تجربه پزشکی و اشکریسنسکی، عوامل دیگری مانند حال و هوای زادگاهش که هنوز زیبایی‌هایش را پس از انقلاب از دست نداده بود، و دیدارش با نزدیکان و عزیزانش نیز دخیل بوده‌اند. در داستان مُرفین، خودکشی پالیاگف در ۱۴ فوریه ۱۹۰۸، درست یک روز پیش از عزیمت بولگاکف از ویاژما رخ می‌دهد.

با اطمینان می‌توان داستان "بیماری" را نسخه ابتدایی مُرفین برشرد. بولگاکف در سال ۱۹۲۱ در نامه‌هایی به همسر و پسرانش از آنان خواسته است دست‌نوشته‌های داستان "بیماری" را حفظ کنند.